

پاکستان، مرکز و حامی تروریسم

شماری از پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا
در رابطه

پاکستان، مرکز و حامی تروریسم



شماری از پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا
در رابطه

شناسنامه کتاب:

عنوان: پاکستان، مرکز و حامی تروریسم

ناشر: انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تاریخ نشر: ماه نومبر سال ۲۰۱۷

ویراستار: قاسم آسمایی

بجای مقدمه

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است، تصفیه حساب قدرتهای رقیب در اوج جنگ سرد که کشور ما بیحیث نطع آن قربان گردید و تداوم کشمکش های جیوپولوتیک رقبای بین المللی و منطقه پی و جنگ های نیابتی ، در دور جدید بازبهای بزرگ ، جنگ خانمانسوز را تداوم بخشیده است

درین راستا و یک بخش اساسی از عامل دوام مصیبت و کشتار ، همانا ادامه جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد که از (۱۹۷۵ م) با تجهیز و تسلیح و فرستادن گروه های خرابکار بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان آغاز یافته و درین چهل و دو سال به اشکال متفاوت جریان دارد

پاکستان از گروه های تروریستی بمثابه ابزار دستیابی به اهداف بلند مدت سیاست خارجی خود استفاده مینماید ، تا عمق ستراتیژیک را بدست آورند و پلانهای جنرال ضیا الحق مبنی بر « مرگ با هزار زخم » و « کابل باید بسوزد » را ورای همین امیال مطرح نموده است

در احوال کنونی افزون بر طالبان، تا بیست گروه تروریستی و شرارت پیشه، بشمول داعش که در افغانستان فعال میباشد، مورد حمایه استخبارات آنکشور قرار دارند. درین هفده سال حضور گسترده نظامی امریکا و سازمان ناتو، پاکستان با اجرای نقش دوگانه (سی و پنج میلیارد دالر را بحساب « پیمانکار » تصاحب و همزمان بپرکت سیاست کجدار و مریز امریکا و انگلیس به سازماندهی مجدد طالبان و و گروه های تروریستی ، جنگ اعلام نا شده را تداوم بخشیده و افغانستان اماج جنایت علیه بشریت قرار گرفته و همه روزه تروریستان با کشتار اهالی ملکی جنایات جنگی و ضد بشری تکرار میگردد (حسب گزارش انستیتوت اقتصاد و صلح تنا در سال پار (۱۴۴۲) حادثه تروریستی در افغانستان (انجام یافته که تا پنج هزار تلفات جانی و هزاران زخمی داشته است

پاکستان در تمام این مددت بیشتر از چهار دهه در برابر شکایات و اعتراضات جانب افغانی که دوسیه قطوری را در مراجع ذیربط بین المللی و شورای امنیت ملل متحد ، بوجود آورده است ، با لطایف الحیل راه انکار از حقایق و خاک زدن بچشم جهانیان را پیش برده است و اما قتل اوسامه بن لادن در اسلام اباد

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

و به تعقیب آن مرگ مرموز و قتل ملا منصور در انکشور، طشت رسوای شانرا از بام انداخت و امریکا و اعضای ناتو نیز که به قیمت خون سربازان شان وقوع حملات تروریستی در کشور های شان، زهر تروریسم را احساس کرده اند، بالاجبار به حقانیت ادعای افغانستان، لااقل در حرف اعتراف و اما درین سه ما بعد از اعلام ستراتیژی جدید رییس جمهور امریکا، ما شاهد کدام اقدام اساسی بخاطر نابودی مراکز تروریستان نبوده ایم سوال دارایی اهمیت اصولی که مشروعیت اخلاقی امریکا و متحدان آنرا، مورد شک قرار میدهد این است که در صورتیکه اوسامه و ملا منصور واجب القتل اند، با میزبان و حامیان چه برخورد باید انجام گیرد؟

افغانستان قربانی تروریسم و آماج جنایات علیه بشریت قرار دارد و همه روزه مردم ملکی در جنایات جنگی و ضد بشری تلف میگردند که بر طبق میثاقهای بین المللی بحیث جرایم بین المللی تعریف گردیده اند

بدینرو مردم مظلوم افغانستان حق دارند وجدان جامعه بین المللی را مخاطب ساخته و بخاطر حق حیات افغان و حق گذار افغانستان به شاهراه صلح و ترقی دادخواهی نمایند و از سازمان ملل متحد و شورای امنیت و به ویژه از اعضای دایمی آن مطالبه نمایند که ارزشهای جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی و احکام منشور ملل متحد را بر مصالح سیاسی مرجع دانسته و به قربانیان تجاوز و ترور و مردم به عزا نشست که طولانی ترین جنگ را متحمل و مسولیت اخلاقی شما در قبال شان اظهر من الشمس است؛ عطف توجه نمایند و به نخستین پله تقرب به صلح که همانا نابودی مراکز ترور است، تدابیر عملی اتخاذ و دولت پاکستان بحیث حامی تروریستان تعریف و مورد تعزیرات جدی بین المللی قرار گیرد

بر اساس این تعزیرات باید جنرالان و رهبران سیاسی و نظامی که مجری پلان های استخبارات نظامی آنکشور بوده و یا میباشند در فهرست سیاه شامل و تدابیر بخاطر محاکمه شان اتخاذ گردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا امیدوار است که نشر این مجموعه که حاوی یکتعداد اسناد و اعلامیه مبنی بر الزام حقوق علیه پاکستان میباشد، بتواند در بعد حقوقی، در خدمت داعیه برحق دفاع از افغان و افغانستان، در امر شریفانه دادخواهی بخاطر معرفی پاکستان بحیث مرکز و حامی تروریسم، قرار گیرد.

هست و بود افغانستان در گرو برقراری صلح میباشد و صلح در دوام جنگ اعلام ناشده پاکستان و مراکز تروریستی در انکشور، حتی در حضور یک میلیون عساکر ناتو یک سراب خواهد بود، بدینرو بسیار ضرور

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

است تا افغانان متعهد به وطن و مردم با عقلانیت این واقعیت دردناک را درک و دریک گفتمان همجانبه و با چنگ زدن به مصالح عمومی، منشور ملی مقابله با پاکستان را بمثابه دشمن تاریخی و همسایه تعویض نا پذیر ، طرح و بخاطر تحقق ان صادقانه تلاش نمایند

با حرمت

میر عبدالواحد سادات

رئیس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

کمپاین بزرگ برضد نقش پاکستان به حیث یکی از عوامل منازعه

دریک کمپاین بزرگ برضد نقش پاکستان بحیث یکی از عوامل منازعه و آشوب درکشور ما وتقویه تروریزم بین المللی همصدا شوید!

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از شما هموطنان عزیز صمیمانه تقاضا مینماید تا بر مبنای منافع ملی، مصالح علیای کشور و دفاع از افغان و افغانستان در راه اندازی یک کمپاین مشترک با ما شریک گردیده از این اقدام پشتیبانی نمایید.

از آنجائیکه مسئله نقش دولت پاکستان بحیث یک رژیم خطرناک برای امن وثبات منقطوی و بین المللی و مرکز تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن تروریست، در محراق توجه سیاست های منقطوی، بین المللی و اخصاً شورای امنیت ملل متحد قرار گرفته است؛ بجای وبه موقع است تا ما همه در یک کمپاین مشترک و بزرگ برضد سیاست های تروریستی پاکستان و اقدامات آن دولت برعلیه امنیت ملی، منقطوی و بین المللی شریک گردیم.

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبعی" و مخلوق استراتیژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب و منازعه بوده به تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت ورزیده، بصورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

در اوضاع کنونی نقش دولت پاکستان بحیث ناقض منشور ملل متحد، حامی تروریزم و رکن شرارت بین المللی بیشتر از هر زمان دیگر برجسته گردیده و بحیث شناخته شده ترین ناقض منشور ملل متحد و تعهدات بین المللی میباشد. دستگاه استخبارات پاکستان بزرگترین مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان و مرکز پرورش شرارت پیشگان شریربین المللی بوده مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد. همچنان دولت پاکستان و اجبران آن جرایم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند و افغانستان را به بزرگترین قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده خویش مبدل ساخته است.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از هموطنان قدرمند ما در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی و مدافعان وطن و مردم تقاضا مینماید تا بحیث یک داعیه ملی صدایی اعتراض همزمان شانرا در یک کمپاین بزرگ در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و در این داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظر داشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدیولوژیک و سلیقه ها همزمان سهیم گردید. هیأت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پاکستان مرکزوحامی تروریزم بین المللی

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبعی" ومخلوق استراتیژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب ومنازعه بوده ورمزبقای خودرا در خفقان داخلی ودشمنی با همسایه گان جستجو نموده وبخصوص بعد از کودتای نظامی جنرال ضیاالحق (۱۹۷۷ م.) بحیث حلقه اساسی در «کمربند سبز» و «نقاب جمهوری اسلامی» به تربیه، تجهیز وتسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت ورزیده وبه صورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

افغانستان از بدو خلقت نامیمون پاکستان در راستای نقش خصمانه وتاریخی این کشور در معرض دسایس اسلام آباد (که عضویت پیمانهای نظامی را حاصل کرده بود) قرار داشته وبا اعلام جمهوریت (۱۹۷۳ م) آماج جنگ اعلام ناشده آنکشور قرارگرفته و تا اکنون ادامه دارد.

از همان جمهوریت اول تاکنون جنگ اعلام نا شده پاکستان به اشکال و شیوه های مختلف ودر نقشهای متفاوت از تربیه، تسلیح وصدور خرابکاران گرفته تا تبدیل شدن آن بحیث «تخته خیز» دراج جنگ سرد، طرح کنفدراسیون وجنگهای تنظیمی دهه نود میلادی، رول بازی نموده است وهمچنان تلاش دستگاه نظامی. استخباراتی پاکستان بخاطر تسلط مستقیم در وجود طالبان، بخاطر تثبیت عمق استراتژیک، بی ثبات سازی وتضعیف افغانستان دریک ونیم دهه اخیر، صورت گرفته وادامه دارد. (ارائه دلایل در رابطه به این حقایق آفتابی، بحیث اثبات "کفرابلیس" تحصیل حاصل پنداشته میشود).

پاکستان ناقض منشور ملل متحد و تعهدات بین المللی :

نظام بین المللی معاصر ملهم و استوار بر یک اصل قبول شده بی حقوق بین المللی میباشد Pacta Sunt Servanda. تعهد باید اجرا گردد) که اعضای سازمان ملل متحد متعهد ومکلف به اجرای آن میباشند. اما در عمل دولت پاکستان در قبال تعهدات خود در برابر جامعه بی جهانی عمل نکرده ودر رابطه به

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

افغانستان در مجموع و بخصوص بعد از عقد موافقت نامه ژینو (۱۹۸۸ م) و تا اکنون، هیچگاهی به تعهد، وعده و وعید خویش وفا نکرده است.

پاکستان هم عضو سازمان ملل متحد است و هم با پروپی منشور آن و دیگر اصول قبول شده حقوق بین المللی را نقض مینماید؟

پاکستان هم عضو جامعه جهانی است و هم از خاک آنکشور به جهان تروریست صادر میکند؟

پاکستان هم «شریک استراتژیک» امریکا است و هم جنگ اعلام نا شده را با هم پیمان آن کشور (افغانستان) ادامه میدهد؟ بدینترتیب مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) دولت و رهبران پاکستان زیر سوال رفته است!

آیا بسیار سوال برانگیز نیست؟

که درین پانزده سال اخیر حضور گسترده امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان میلیاردها دالر را زیر نام همکاری مبارزه بر علیه «تروریسم» تصاحب نموده است، در حالیکه رهبران و مراکز سازمانهای تروریستی در داخل آنکشور فعال می باشد.

امریکا بخاطر اسامه بن لادن سردسته شرارت پیشگان القاعده به افغانستان هجوم نظامی نمود و چند سال بعد سر و کله تروریست شماره یک، از اسلام آباد پیدا گردید، بر سر ملا عمر آخوند ده ملیون دالر جایزه تعیین گردیده بود، اما نامبرده در "خانه های امن" کراچی زندگی و بشکل مرموز در شفاخانه های آن شهر بقتل رسید و جلسات بخاطر تعیین اخلاف آن علی و با حضور صدها تن در پاکستان دایر گردید.

معمای اقامت و قتل سردسته شرارت پیشگان، تشت رسوایی پاکستان را از بام انداخته است و اکنون با کشته شدن ملا منصور در پاکستان، دیگر هیچ وجدان بیدار شک نخواهد داشت که پاکستان مرکز و دولت آنکشور حامی تروریسم می باشد. شانزده بار سفر ملا منصور به امارات متحده عربی و یکبار به ایران با پاسپورت رسمی پاکستانی و با نام جعلی، بیان عین واقعیت است که رهبر و حلقه دست اول رهبری طالبان نه تنها در پاکستان از مصئونیت کامل برای سازماندهی جنگ و حملات مرگبار تروریستی بر ضد ملت و مردم افغانستان برخوردار هستند، بلکه آنها در تباری مستقیم و تحت چتر حمایتی آی اس آی برای ادامه فعالیت های تخریبکارانه برضد دولت، مردم و حاکمیت ملی افغانستان تدارکات مالی را از طریق "کاربدور"،

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

امارات متحده عربی فراهم و سازماندهی نموده و مینمایند. (البته در این یادداشت پیرامون چگونگی قتل آنان بحث صورت نگرفته است.) زمانیکه اسامه و ملا منصور واجب القتل است، سزای میزبانان « مهربان » و حامیان چه خواهد بود؟ وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بخصوص انگلیس و امریکا به این سوال جواب بدهند!

پاکستان مرکز تروریسم بین المللی :

اسناد معتبر بین المللی از سازمان ملل متحد و تا وزارت های خارجه اعضای دایمی شورای امنیت (بخصوص وزارت خارجه امریکا)، سایر کشورها و مطبوعات جهانی گویای این حقیقت است که سرخ بسیاری از حوادث دهشتبار تروریستی از کابل، تالمببی، دارالسلام، چیچین، سینکیانگ و تانویبارک به پاکستان گره میخورد. پاکستان مکان امن برای شرارت پیشه گان جهان گردیده و سردسته های سازمانهای تروریستی در «خانه های امن آی اس آی» مصروف طراحی عملیات و حملات دهشتبار میباشند و برای تعیین « رهبران » و نظم و نسق امور جلسات علنی و تا چندصد تن رادایر مینمایند. (همین اکنون ده ها سازمان تروریستی مشمول لیست سیاه سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا در پاکستان علنی فعال بوده و مورد حمایت آی اس آی قرار داشته، تسلیح و تجهیز میگردند.

پاکستان بحیث مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان:

تعداد مدارس، مراکز و « نهادهای خیریه» در پاکستان که اندیشه های بنیادگرایانه اسلامی، کافرکشی، سیف الاسلام، انتحار و قتل دگراندیشان را ترویج میدهند تا به ده ها هزار میرسد و اکثریت آنها یکبه توسط مولانا های خبیث آنکشور رهبری میشوند، زیر چتر محافظتی آی اس آی و بقایای اندیشه جنرال ضیاالحق در اردو قرار دارند.

پاکستان مرکز پرورش شرارت پیشگان شریبین المللی :

طی چهل سال اخیر بیشتر از دوصدهزار تروریست عرب و عجم از کشورهای مختلف در مدرسه های تروریست سازی پاکستان پرورش یافته و رهبران سازمانهای تروریستی که بر سر آنان جوایز تعیین گردیده، درین کشور کسب تجربه کرده اند (اوسامه، ایمن الظواهری، ابوبکر بغدادی، ملا عمر، ملا منصور، ملا هیبت اله و ده ها تن دیگر در این ردیف قرار دارند و از امتیازات «خانه های امن آی اس آی» مستفید گردیده اند

استخبارات نظامی پاکستان مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد :

در داخل و خارج پاکستان تعداد زیادی از شخصیت های معروف افغان توسط آی اس آی و یا بدستور اجیران آن بقتل رسیده اند. (پوهاند شمس الدین مجروح، چیتزایی، غروال، عبدالحکیم کتوازی و ده ها

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تن دیگر. اکنون دیگر حضور جنرال اسلم بیگ در شب شهادت داکترنجیب الله رئیس جمهور اسبق یک راز نمیباشد. در چند سال اخیر آنعده رهبران طالبان که خط قرمز اصول مافیایی روابط (آی اس آی. طالبان) را نقض کرده اند، زندانی و به اشکال مرموز بقتل رسیده اند.

دولت پاکستان و اجیران آن جرایم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند: درین مدت تداوم جنگ اعلام نا شده، پاکستان عامل اولی و اساسی تراژیدی خونبار افغانستان می باشد، مداخلات آنکشور دلیل وهبانه مداخلات نظامی شرق و غرب پنداشته میشود.

. درین چهاردهه ملیون ها هموطن ما نابود، معلول، معیوب، یتیم و بیوه گردیده اند و ده ها ملیارد دالر بکشور ما خسارت رسیده و مناطق زیاد تخریب ویا مانند پایتخت به تل خاک مبدل گردیده است. غنایم و آثار ملی و تاریخی تاراج و یا مانند بت های بامیان تخریب گردیده است.

. . تاسیسات دولتی و اردوی ملی افغانستان نابود گردیده است.

جنایات ضد بشری، جنایات جنگی، نقض حقوق بشر و قتل وکشتار اهالی ملکی دوام دارد. درچند ماه گذشته هر روز در افغانستان فاجعه کریلا، صبراً و شطیلا برپا است.

از قرار معلوم پاکستان در ولایات ننگرهار و پکتیکا در اینطرف خط نام نهاد دیورند مراکز عسکری ایجاد کرده است.

تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان مانع اصلی گذار کشور ما به شاهراه ترقی می باشد. در برابر اینهمه جنایات، تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده چه میتوان کرد؟

ختم جنگ اعلام نا شده و دستیابی به صلح با تگدی بدست نمی آید و چنانچه گفته اند: حق داده نمیشود، حق گرفته میشود.

افغانستان قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده بی پاکستان :

مطابق به احکام منشور سازمان ملل متحد « دولت قربانی باید اعلام نماید که مورد تجاوز قرار گرفته است »

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بدینرو دولت افغانستان باید بمثابة کشور قربانی اعمال پاکستان. هرچه عاجل دوسیه جنایات ناشی از جنگ اعلام نا شده آنکشور دروجود طالبان وشرکای شانرا تنظیم وبه شورای امنیت س.م.م و دیوان عدالت بین المللی ارجاع نماید.

دولت باید به شورای امنیت پیشنهاد نماید تا: به اساس اصول منشور م. م. م اصل (united nations sancations) را مطابق احکام فصل هفتم منشور ملل متحد و بر اساس اصل « تهدید صلح ، نقض صلح وعمل تجاوز » در مورد پاکستان بررسی و تطبیق نماید تا پاکستان بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابة حامی تروریسم برطبق اصل (Legal Settlement Sancation) مورد تعزیرات بین المللی قرار گیرد. این تعزیرات باید شامل قطع کمکهای نظامی و مشروط ساختن مجموع کمکها به نابودی تروریستان و تحقق اصول و پرنسیپ های جهانی و قبول شده بی حقوق بین المللی گردد .

مراکزسلاح اتومی پاکستان منبع خطرناک تهدید جهانی :

در احوالی که پاکستان مرکزشرارت بین المللی است وخطرناکترین سردسته ها وسازمانهای مخوف تروریستی ودشمنان تمدن بشری در ارتباط تنگاتنگ با اردو و آی اس آی فعال میباشند ودولت سابقه جرمی دولت پاکستان درنقض موافقت نامه (N . P . T) که پدر بمب اتومی آنکشور عندالمحاكمه بدان اعتراف نمود ، بسیار ضرور است تا شورای امنیت سازمان ملل متحد بخاطر نظارت وتحت پوشش قراردادن فعالیت اتومی پاکستان اقدام نماید .

وظایف دشوار ، اما بسیار ضروری ومبرم :

. دولت باید با سازمان ناتو وکشورهای انگلستان وایالات متحده امریکا که تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان معلول سیاست های کجدار ومریز آنان است و براساس پیامهای ستراتیژیک، مکلف به دفاع قاطع می باشند، مذاکرات سازنده را آغاز نماید. تداوم تراژیدی خونبار افغانستان مسئولیت اخلاقی (Moralobligation) آنان راکه در قبال افغانستان اظهرمن الشمس میباشد، با سوالیه بزرگ مواجه ساخته است؟ مسئولیت جانب امریکا در قبال تراژیدی خونبار مردم ما در استغاثه سناتوران وسخنان قیل از انتخابات دولتمردان ، ویا هر چند سال کشتن یک سردسته تروریستان خلاصه نمیشود (که کفاره اعمال انتقامجویانه را مردم بی گناه وبی دفاع با خون فرزندان شان پردازند). افغانان باید صداقت گفتار، درمبارزه با تروریسم را(لاقبل بخاطرانتقام خون دوهزار وپنجصد سربازشان) درسروکوب قاطع آنان در مراکز اصلی شان (پاکستان) مشاهده نمایند.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

دولت باید با کشورهای اتحادیه اروپا، حقایق قربان شدن افغانستان را مطرح و در جلب همنوایی آنان تلاش وسیع انجام دهد.

بسیار ضرور است تا دولت کار وسیع را با اعضای دایمی شورای امنیت، همسایگان وقدرتهای بزرگ منطقه مانند چین، روسیه و هندوستان دنبال و در رابطه به مسایل جاری افغانستان و بحث بر عواقب زیانبار استفاده ابزاری از گروه های دهشت افکن بخاطر مقاصد جیوپولوتیک و تشدید جنگ های نیابتی، سازماندهی نماید.

آیا دولت افغانستان توانایی انجام این رسالت تاریخی را دارد؟

پاشنه آشیل افغانستان ضعف اقتدار ملی است. "مردم بزرگ" که بار طولانی ترین جنگ تاریخ را متحمل گردیده اند، با "رهبران کوچک" مواجه می باشند، رهبرانی که به مردم باور ندارند و فراموش کرده اند که: د خلکوزور، دخدای زوردی و از تشخیص مصالح کشور و منافع ملی عاجز می باشند و درگیرودار تقسیم « قدرت » بوده و قوای مسلح را درین مقطع حساس بحساب قوم و گروپ تقسیم مینمایند که کفاره آنرا سربازان قهرمان و هموطنان مظلوم با خون شان میپردازند و پای دشمن سفاک را تا مقر پارلمان، شفاخانه چهارصد بستر و قول اردوی ولایت بلخ رسانیده اند.

رهبران دولت وحدت ملی که پای شان در ترازوی مشروعیت می لنگد، بخاطر جبران این نقیصه باید برای کسب وجاهت ملی تلاش نمایند. این وجاهت فقط و فقط با جنگ زدن به منافع ملی و دفاع قاطع از وطن و جان و ناموس مردم بدست میآید. دستیابی به این مأمول زمانی سراب نخواهد بود که قانون را ملاک عمل قرار بدهند، استقرار حاکمیت قانون یگانه راه تحکیم قدرت دولتی پنداشته شود.

این هدف بزرگ فقط با پشتیبانی مردم ممکن خواهد بود و برای کسب کمک مردم باید تعریف دقیق از منافع ملی با شناخت از جیوپولیتیسیم بین المللی و منطقه داشته باشیم و بر مبنای همین تعریف استراتژی امنیت ملی و چگونگی مقابله در برابر پاکستان را مشخص بسازیم و « منشور مقابله با پاکستان » را در دایره کلان ملی تدوین نماییم. دستیابی به این مأمول شریف ملی از ما می طلبد تا مصالح کلان کشوری را فدای بازی های خورد پولیستی و پیش کشیدن شعارهای غیر عملی و با انگیزه های قومی، نه نماییم.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

در همچو حالت یک دولت کارا میتواند با دیپلوماسی فعال بحیث پارتنر در سطح بین المللی و منطقه، منافع افغانستان را دفاع و پاکستان نیز با عزم و احتیاط حرفش را تحویل بگیرد.

چنین دولت که کارا خواهد بود در برابر مخالفان مسلح برخورد دقیق را در وجود یک سند تقنینی که حالت حقوقی افراد و گروپ های مسلح که به پروسه صلح میپیوندند، تنظیم و مطابق آن برای صلح بحیث هدف والای ستراتیژیک اقدام نماید.

داعیه بی ملی :

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با نظر داشت این واقعیت که افغانان قلب مشترک (وطن مشترک) دارند، با مراجعه به هموطنان عزیز در داخل وخارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی ومدافعان وطن ومردم صمیمانه میخواهد تا در دفاع از هست وبود وطن، صدای اعتراض شانرا در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و ازین داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظرداشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدیولوژیک وسلیقه ها، دفاع وبه جهانیان ثابت نمایند که وطن وسرزمین افغانان عمق ستراتیژیک پاکستان ومیدان جنگ های نیابتی نه بلکه همسایه متساوی الحقوق ونیک میباشد.

با احترام هیئت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

Mullah Mansour, leader of Taliban

۲۰۱۶-۰۶-۱۲

Pakistan – Violator of UN Charter, Haven and Supporter of Terrorism, and a Pillar of International Viciousness:

As an “unnatural” country, and a creation of the colonial strategies, Pakistan has always been a cause of conflict and turbulence during the entire period of its existence. It has always sought the secret of its survival in stirring internal disturbances and conflicts within its neighboring countries. It especially acquired such an evil stance after the military coup of 1979, when it became the main ring in the “green belt”, put on the “masque of Islamic republic”, started training, equipping and arming terrorist groups. It has systematically used terrorism as an instrument of its foreign policy.

Afghanistan has fallen a victim of the conspiracies of Islamabad from the very beginning of the misfortunate birth of Pakistan (which had already joined the aggressive military pacts), and particularly became target of an undeclared war after the establishment of the republic of 1973, which is still going on.

Ever since the very establishment of the first republic till the moment, the undeclared war of Pakistan has continued in various methods and different roles, from training, arming and exporting subversive elements, to serving as a “jumping board” during the climax of the cold war, the conspiracy of forming a confederation, and the factional fights of the 90s. Likewise, starting from the past one and a half decade, the military-intelligence apparatus of Pakistan has been striving hard to exercise direct control via the Taliban with a view to reaching the strategic depth, and destabilizing and weakening Afghanistan which still continues. (Introduction of proof for these shining facts will be the same like proving “devil’s infidelity” which is needless to be proven).

Pakistan – violator of UN Charter and international commitments:

The contemporary international order is inspired by and based on an accepted principle of the international law ("*Pacta Sunt Servanda*" – agreements must be kept), which the UN member countries are obliged to observe. However, in practice the Pakistani government has never honored its commitments against the international community. It has so far generally failed to fulfil its commitments against Afghanistan, and particularly after the conclusion of the Geneva Accords of 1988. On one hand, Pakistan is a UN member country, and on the other hand it recklessly beaches the UN Charter and other accepted principles of the international law. Pakistan is a member of the international community, but terrorists are exported to the world from the soil of that country. Pakistan is a "strategic partner" of America, but it still continues an undeclared war against another country (Afghanistan) which is also in a coalition with America. Hence, the Moral Obligation of the government and the leaders of Pakistan has seriously come under question!

Isn't this questionable:

- That during the past fifteen years of presence of America and the NATO in Afghanistan, billions of dollars have been acquired by Pakistan under the name of cooperation in the fight against "terrorism", while the leaders and the bases of terrorist organizations are active within the territory of that country.
- That America invaded Afghanistan because of Osama bin-Laden, the ring leader of al-Qaeda villains, but some years later, the man showed up Islamabad.
- That America announced a head-price of 10 million dollars for Mullah Mohammad Omar Akhund, but it was revealed that the said person resided in "the safe homes" in Karachi, and was mysteriously murdered in the hospitals of that city. The meetings to choose his successors were publicly held, and attended by hundreds in Pakistan.

The enigma of the stay and murder of the leader of the villains displayed a scandalous ignominy for Pakistan. And now, with the murder of Mullah Mansour in Pakistan no vigilant conscience can doubt anymore that Pakistan is the center, and its leaders are supporters of terrorism. The fact that Mullah Mansour made sixteen trips to the United Arab Emirates and one to Iran with official Pakistani passport and with a false name is a solid evidence in itself that the leader and the first leadership ring of the Taliban are not only enjoying full immunity in Pakistan enabling them to carry on fight and bloody terrorist attacks against the people of Afghanistan, but being in collusion and under direct protection umbrella of the ISI continue subversive activities against the state, people and national sovereignty of Afghanistan, the financial arrangements of which are supplied via the "corridor" of the United Arab Emirates.

When Osama and Mullah Mansour are regarded as death-deserving, then what shall be the punishment for their "kind" hosts and protectors?

The time has arrived for the international community, and especially the Britain and America to answer this question!

Pakistan – a safe haven for international terrorism:

Credible international documents, including those in the UN and the foreign services of the permanent members of the UN Security Council (particularly the US State Department), and other countries and international media clearly reveal the fact that most of the horrible terrorist incidents – from Kabul to Mumbai, Jerusalem, Chechnya, Sinkiang, New York, etc. find their origin in Pakistan. Pakistan has turned into a safe haven for all the villainous forces of the world, where leaders of the terrorist organizations, while residing in "the safe homes of ISI", are engaged in planning terrorist attacks and operations, making arrangements for holding public meetings for many hundreds to select their "leaders". (At present, hundreds of terrorist organizations that are included in the black list the United Nations and the US State

Department, are openly active in Pakistan, and are being supported, armed and equipped by ISI).

Pakistan – center of fostering concept of suicide and killing political opponents:

The number of madrassas, “charity centers and organizations” that are engaged in spreading the ideas of Islamic fundamentalism, killing non-Muslims, *Saif-ul-Islam* (sword of Islam), suicide and killing political opponents exceeds tens of thousands, most of which are led by the evil clergymen of that country who carry their activities under the protective umbrella of ISI, the remnants of Gen. Zia ul Haq, and the army.

Pakistan – a training center of international evil-doers:

During the past forty years, more than two hundred thousand Arab and non-Arab terrorists from various countries have been trained in the terrorist-producing furnaces of Pakistan, and the leaders of terrorist organizations, with rewards announced for their heads, have gained experience in this country (Osama, Ayman al-Zawahiri, Abu-Bakr Baghdadi, Mullah Omar, Mullah Mansour, Mullah Haibatullah, and tens of others are among them who enjoyed the privilege of being sheltered in the “safe homes” of ISI).

Military intelligence of Pakistan bears responsibility of murder and terror of Afghans:

A large number of prominent Afghan personalities have been assassinated, inside or outside Pakistan by ISI, or its mercenaries (Prof. Shamsuddin Majrooh, Chinzai, Gharwal, Katawazi, and tens of others). The presence of Gen. Aslam Beg in the night of martyrdom of Dr. Najibullah, the former president of Afghanistan is no more a secret. In recent years, those Taliban leaders who crossed the red line of mafia principle in ISI-Taliban relations were imprisoned and murdered mysteriously.

Pakistani government and its mercenaries committed serious crimes in Afghanistan:

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

- Pakistan, during the period of continuation of the undeclared war, has been the first and fundamental factor behind the bloody tragedy of Afghanistan. Interferences of this country are considered the reason and excuse for the interventions of the east and the west in Afghanistan.
- During the past four decades, millions of our compatriots have been martyred, disabled, orphaned or widowed; tens of millions of dollars of loss has been inflicted on our country, many areas have been destroyed and razed to ground, including the capital of the country.
- The wealth and historical monuments have been plundered or destructed, such as the Bamyán statue.
- Government establishments and the national army were destroyed.
- Crimes against humanity, war crimes, violation of human rights and murdering civilians are continuing.
- Since some months, everyday Afghanistan experiences Karbala, Sabra and Shatila.
- As per the information, Pakistan has erected military establishments in this side of so-called Durand line in Ningarhar and Paktika provinces.
- Continuation of aggravation of undeclared war of Pakistan is the main hindrance of our country's transition to the path of development.

What can be done against all these crimes, aggression and the aggravation of undeclared war?

Putting an end to the undeclared war and attaining peace cannot be achieved through beggary. As a saying says: **right is not given, it is taken!**

Afghanistan – a victim of aggression and aggravation of the undeclared war of Pakistan:

As per the Charter of the United Nations “the victim country must declare that it has been subjected to aggression”. Therefore, as a victim of the actions of Pakistan, the government of Afghanistan must, as urgently as possible, arrange the dossier of the crimes of Pakistan emanated from its undeclared war which is carried through the Taliban and their partners, and forward it to:

- The UN Security Council and the International Court of Justice.

The government of Afghanistan shall propose to the Security Council that:

As per the provisions of the UN Charter, to consider and implement the principle of “United Nations Sanctions” as provided for in chapter seven of the UN Charter in regard to Pakistan as an “action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression” in order to subject Pakistan, as a supporter of international terrorism, to international sanctions in accordance with the principle of “Legal Settlement Sanctions”. Such sanctions must include stoppage of military aid, and connecting all assistances to the elimination of terrorists and the observance of all the internationally accepted principle of the international law.

Pakistani nuclear sites – sources of serious international threat:

In a situation where Pakistan is the center of international villainy, and the most dangerous leaders and horrible terrorist organizations and enemies of human civilization are active there with close connection with its army and the ISI, and while that country has the precedence of neglecting the (T.P.N.) agreement (as admitted by the father of nuclear bomb of Pakistan during his trial), it is very necessary that the UN Security Council takes measures for the supervision and covering the nuclear activity of Pakistan.

Difficult, but extremely vital duties:

- The Afghan government needs to start constructive negotiations with the NATO, the UK and the US, as the aggravation of the undeclared war is the outcome of their negligent and uncertain policies, and who are duty-bound to decisive defense in accordance with the Strategic Accord. Continuation of the bloody tragedy of Afghanistan seriously questions their moral legitimacy.

The responsibility of America verses the tragedy of Afghanistan cannot be fulfilled only with the cries of senators or the pre-elections words of the statesmen, or the murder in some years of a leader of the terrorists (the price of the subsequent acts of vengeance for which is paid by our innocent and defenseless people with the blood of their children). Afghans need to see honesty in the fight against terrorists, in categorically smashing them up in their original birthplace (Pakistan).

- The Afghan government must propound the facts about the victimization of Afghanistan with member countries of European Union and make vast efforts to secure their support.
- It is much vital that the government maintain all-round contacts with the neighboring countries and regional powers such as China, Russia and India and

propose an urgent meeting of these countries in regard with the current issues of Afghanistan.

Is Afghan government capable of carrying on this historic mission?

The Achilles heel of Afghanistan is its weak national management. A “great people” who bore the burden of the longest war of the history confront “small leaders”, leaders who do not trust the people, and have forgotten that “the power of people is the power of God”, leaders who are incapable of identifying the national interests and what is good for the country; they are deeply engaged in the strife of “power” division, and division of the armed forces of the country, in the current sensitive moment, in ethnic and factional lines.

The leaders of the national unity government, who suffer from the questionability of their legitimacy, need to make efforts towards attaining national credibility to compensate this shortcoming. Such a credibility can only be achieved via grasping the national interests, and crucially defending the homeland, lives and honor of the people. Attaining this goal will not be a mirage anymore when the deeds are based on the law, and the rule of law is recognized as the only means of consolidation of state power.

Such a great ideal can only be materialized with the support of the people, and to achieve the support of the people, we need to have a clear definition of the national interests and a precise knowledge of international and regional geopolitics, devise the national security strategy and determine how to cope with Pakistan in the light of this definition. It is only through an active diplomacy that the Afghan government can defend the interests of Afghanistan as a partner in international and regional levels, and to compel Pakistan to listen to it with prudence and discretion.

Such a government shall be a competent one. It shall have a reasonable stance towards its opponents in the form a legislative document which shall define the legal status of

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

individuals and groups who join the peace process, and to strive for bringing about peace as a strategic goal.

The national cause:

The Afghan Lawyers' Association in Europe, mindful of the fact that all Afghans have a common heart (common homeland), respectfully calls upon all fellow countrymen inside and outside the country, the political, social and cultural entities, the civil society and the defenders of the homeland and the people to raise their cries of protest against the aggravation of the undeclared war of Pakistan, to champion this legitimate national cause of Afghanistan, regardless of any ethnic, religious, ideological and other differences, and to prove to the world that the homeland of the Afghans is not a strategic depth of Pakistan, but is an equal and a good neighbor of Pakistan.

With regards,

Leadership Board, the Afghan Lawyers' Association in Europe

اعلامیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پاکستان حامی تروریسم

پاکستان به حیث مرکز تروریسم، سالهاست که خطرات جدی را متوجه جهان ساخته است. نه تنها افغانستان از سال ۱۹۷۳ میلادی ببعد بزرگترین قربانی این مرکز تروریستی است، بلکه سرخ حوادث

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تراژیدی ازنیویارک تا بمبئی واز دارالسلام تا یمن و روسیه، به شبکه های مرتبط به القاعده ارتباط داده شده است که رهبری آن درپاکستان مورد حمایت استخبارات ونظامیان آن کشور قرار دارد. قتل سردسته ارعابیون القاعده (اسامه بن لادن) درحومه اسلام آباد (که به شیوه انتقام گیری طراز امریکایی انجام یافت)، یکباردیگر زمامداران مکار ودو رخ پاکستان را مجبور ساخت تا اعتراف نمایند که "شرمنده اند."

اکنون این سوال مطرح میگردد که اگر اسامه بن لادن واجب القتل است، پس میزبان حامیان ومدعویین آن مستوجب کدام مجازات باید باشند؟

در حالیکه سرنوشت افغانستان، حال وآتیه آن، صلح وامنیت منطقه وجهان مطرح است، بسیار ضروری پنداشته میشود تا ملل متحد این مسئله رامورد بررسی قرار بدهد که چرا پاکستان هم عضوملل متحد است وهم منشور آن موسسه را زیر پا میگذارد وبصورت متداوم تعهدات خویش را نقض مینماید؟ درحالیکه وفا به عهد واجرای تعهدات یک اصل قبول شده حقوق بین الملل پنداشته میشود (Pacta Sunt Servanda) دراین ارتباط نه تنها مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) پاکستان مطرح است بلکه شورای امنیت ملل متحد باید براساس « تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» اصل (United Nations Sanctions) را در رابطه به پاکستان مورد بررسی قرار بدهد. بدین رو اکنون دیگر اظهارمن الشمس است که حمایت، مخفی کردن، تجهیز وتسلیح تروریستان توسط اردو واستخبارات نظامی دولت پاکستان قرار میگردد. باید شورای امنیت موسسه ملل متحد بر وفق احکام منشور آن موسسه موضوع را بررسی وپاکستان را به حیث حامی تروریزم اعلام نماید، وواضح است که بر کشور حامی تروریزم برطبق اصل (Settlement Sanctions Legal) تعزیرات شدید را برآن کشور وضع وبرقرار نماید. این تعزیرات میتواند شامل قطع کمکهای نظامی به تعویق انداختن ومشروط ساختن کمکها وسایر تدابیر جدی باشد.

اعترافات بلند پایه گان پاکستان درعجزشان مبنی بر اعمال حاکمیت دولتی که باعث شرمنده گی آن کشور گردیده، این سوال رامطرح مینماید که شبکه تروریزم جهانی در پاکستان که با اردو واستخبارات (ISI) دارای روابط تنگاتنگ است با در نظرداشت سابقه جرمی پاکستان در نادیده انگاشتن کنوانسیون (N.P.T) درپخش واشاعه غیرقانونی تکنالوژی اتعی توسط پدراتعی آن کشور(که عندالامحکمه بدان اعتراف کرد) ضرور پنداشته میشود تا:

شورای امنیت موسسه ملل متحد، دستگاه نظامی اتعی پاکستان را درتحت پوشش نظارت بین المللی قراربدهد.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

نباید سرنوشت یک کشور (افغانستان)، امنیت شهروندان جهان وصلح، قربانی سهل انگارها گردد.

مدهاست که بسیاری از زمامداران جهان ومنجمله ایالات متحده امریکا از سیاستهای دوگانه ومزورانه پاکستان استغاثه دارند. اما کجاست که به سیاستهای کجدارومریز، بخصوص ازجانب ایالات متحده امریکا در قبال این کشور، پایان داده شود. (ریشه تروریزم را درپاکستان آبیاری وشاخه بری آن در افغانستان و ازدیاد قوای نظامی تا سرحد یکصدوپنجاه هزار برضد تجاوز سازمان یافته در وجود طالبان از پاکستان «دوست ومتحد انگلیس. امریکا» بسیارسوال برانگیز است)

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به حیث یک نهاد مسلکی وغیروابسته، ازتمام افغانان اعم از شخصیتهای علمی، فرهنگی، نهادهای مدنی، اجتماعی وسیاسی صمیمانه میخواهد که در این راستا به حیث یک داعیه ملی بالاتر از تعلقات قومی، زبانی، سمتی وایدولوژیک صدای اعتراض شان را مشترک ورساتر نمایند. انجمن از اعضا ومسئولین خود میخواهد که این اعلامیه را به لسانهای مختلف ترجمه ودراختیار موسسه ملل متحد ومطبوعات قرار دهند.

بااحترام

پوهاند دوکتورغلام سخی مصئون

رئیس انجمن حقوقدانان افغان دراروپا

پیام انجمن حقوقدانان افغان دراروپا درکنفرانس سالانه جرگه افغانان مقیم دراروپا

مورخ ۲۳ اپریل ۲۰۱۷

شهر بیفرویک هالند

۱۰ مارچ ۲۰۱۷

افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

تروریستان شریر بین المللی با حمله به بزرگترین شفاخانه کشور در شهر کابل، جنایت هولناک « جنگی »، « ضدبشری » و « علیه بشریت » را مرتکب ویکبار دیگر چهره سیاه، ننگین، زبون وجبون شانرا بمثابه

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

دشمنان انسان وانسانیت به نمایش گذاشتند.

در مطابقت با تمام معیارهای حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت و تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م) تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژنیو (۱۹۴۸ م) ، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته، در کتگوری «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژنیو: «جنایات جنگی، شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پر از قساوت برضد انسانها، کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید.» ماده (۴۸) همین کنوانسیونها، ماده (۷) و (۸) دیوان جزایی بین المللی و معیارهای هفت گانه صلیب سرخ بین المللی موارد چهارگانه را مشخص ساخته که شفاخانه ها به طریق اولی شامل آن میگردد و بی نیاز از اثبات است که حمله بر شفاخانه محمد داود خان با نقض « قانون و آداب جنگ»، افراد بی دفاع، مریض، زخمی و ناتوان را هدف قرار داده است.

در همچو موارد که وقوع « جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری »، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت ده ها هموطن عزیز بشمول بهترین سرمایه های علمی و معنوی دکتوران گردیده و انسانیت بقتل رسیده است، چه میتوان کرد؟

با تقبیح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه استدعای قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد ؟

هشدار و زینهار!!! ای ملت از برای خدا هوشیار شوید!!!

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز گوسپندان دیگر خیره در او مینگرند

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطانی محورهای شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو و جهانخوار، دور جدید بازهای بزرگ و مسابقه جیوپولوتیک نیابتی، منطقه بی وجهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابه ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حقوق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار موادمخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرار گیرد؛ مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی «اسلامی» و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابه دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتلین قوم و مذهب ندارند و دشمنان تمام مذاهب و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان میباشند.

این مصیبت ملی را باید به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادروطن، وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده واضح میباشد، اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، و جاهت اعتبار ملی یک سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک وزارت های قوای مسلح مستعفی و مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی آنها نموده اند، مشخص گردد.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

یک دولت کارا، دستگاه دیپلوماسی مسول فعال باید رسالت دفاع و داد خواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و به شورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

اکنون از کفرابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و به برکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روز تاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور، گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکلات نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت آمریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقوی و حمایت و تقویه تروریزم بین المللی، موثرتر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنا بر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement

sancatio - مورد تعزیرات قرار گرفته و به حیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا چرا تطبیق نمیگردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگردد، (کان لم یکن) پنداشته میشود.

Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد. این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد و توسط متحد "پیمانکار" آن سلاخی میگردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشست ما، این اعلامیه را بخاطر داد خواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم به خاطر دفاع از حقوق مردم اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت هیأت اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

War Crimes and Crimes against Humanity in Kunduz

Recently, as a result of the aggravated undeclared war and conspiracies by Pakistan, and the collapse of the state rule in Kunduz, another bloody page has been added to the tragedy of Afghanistan.

The human tragedy that took place in Kunduz and which still continues to exist, includes various forms of the most shocking crimes resulting in a national calamity. It, once again, displayed to the world the filthy, inhuman and anti-Islamic faces of the international evil doers,

including DAISH and Taliban as the most villainous murderers of the man, who strive to shove back Afghanistan to the Stone Age.

The crimes committed in Kunduz fall in the category of war crimes and crimes against humanity, which can be summed up as following:

- Slaughter of innocent civilians, political assassinations, killing of prisoners, violating the honor of people, plundering the public property, and destruction of public and private buildings.
- Toppling the government administration with the help of the internal conspiracies, facilitating the jailbreak of more than 700 prisoners, including Taliban terrorists and other dangerous criminals, employing the irresponsible gunmen, militia and *Arbaki* fighters and prison escapees and fugitives to commit those crimes.
- Bombardment of the hospital of the Doctors without Borders against all the accepted principles of the international law was still another unfortunate incident that has added to the grievances of the already mournful people of ours.

All the afore mentioned crimes can be described and categorized as war crimes and crimes against humanity in accordance with international law and principles.

These crimes have been elucidated by the four Geneva Contentions (12 August 1949), according to which:

“War crimes include grave breaches of human rights in armed conflicts and crimes against humanity, torture or inhuman treatment, massacre, political assassinations and willfully causing serious injury to the body or morality of human beings.”

There are instruments of International Law, from the Hague Convention to the statutes of the courts of Nuremburg and Tokyo, and in the last decade of the past century in Rwanda, former Yugoslavia, and the Statute of the International Criminal Court that can be used as the bases for the argument.

For the first time during the decades-long war in Afghanistan, a hospital with the international nature (the location of which already existed in their registration) was willfully targeted by a planned air strike. Even the warnings by staff of the hospital, which were directly relayed to them, were ignored.

While admitting the commission of crime, the American side desperately strives to justify the crime (the remarks of Gen. Campbell, the chief commander of American forces about the gathering of Taliban in the hospital and the request by the Afghan side, can be nothing but a justification worse than the crime itself).

Article (48) of the Geneva Convention that provides for the distinction between civilian and military targets, and likewise, the articles (7) and (8) of the Statute of the International Criminal Court which indicate the four occasions (refraining from targeting peacekeeping forces, humanitarian aid agencies, defenseless vulnerable persons, and civilians), the seven principles of the International Red Cross in similar circumstances assign the legal and moral commitment to the military forces of America, and hence, the perpetration of the war crime by the servicemen of that country is brighter than the sun.

In all the afore-mentioned occasions, a legal liability can be assigned to persons or states. Unfortunately, however, the implementation of justice and bringing the criminals to justice and court is a difficult task, because:

In internal dimension: a weak government and an inefficient judiciary, the ethnic and factional nature of the law enforcement organs, and ...

In external dimension: a paralyzed foreign ministry and a chaotic foreign policy are the main causes of the failure of the current weak government to refer the evidences of the Pakistani invasion, the war crime of the American military men, and the crimes of the multinational villainous elements to the UN General Assembly, the International Criminal Court and other concerned international authorities.

The American government rejected the membership of the International Criminal Court, and furthermore, the servicemen of that country have been granted the privilege of judicial immunity by the security and strategic accords of that country with Afghanistan.

On the basis of its professional commitment, and with a view to defending the mourning people of Afghanistan, the Afghan Lawyers' Association in Europe is determined to spare no possible effort for unmasking the faces of the perpetrators of the afore mentioned criminal acts, and come up with the following points aimed at reviewing those circumstances, and the possible prosecution of those who committed war crimes and crimes against humanity:

- Formation of a fact-finding body under the UN auspices to review the accusations against the American military men, and the participation of the officers of the ISI and the international villains such as Taliban, DAISH and local gangsters;
- Identification of the perpetrators and their introduction to the judicial authorities;
- Demand for indemnification and its strict pursuance as a main agenda point;
- A strict demand on the part of the UN for the non-recurrence of the perpetration of the these crimes;

In the current pitiful situation, while Afghanistan is subjected to invasion and an aggravated non-declared war by Pakistan and a stormy influx of the horrible monsters of "Islamic"

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

radicalism, the painful fate of the country is determined by the regional and international geopolitical rivalries, but the state continues to be incapable of exercising its national sovereignty.

The Afghan Lawyers' Association in Europe sincerely calls upon the civil society, the patriotic social, political and cultural entities, champions of human rights, media and social networks to consider the defense of the blood stained body of the motherland and the mourning people of Afghanistan as their national cause irrespective of their ethnic, regional ... differences, and to act to this end with unity and a spirit of serving the people and the country.

With regards,

Executive Board,

Afghan Lawyers' Association in Europe

قلب افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

چهارشنبه ۳۱ می ۲۰۱۷

تروریستان شریر بین المللی به تعقیب جنایات قبلی شان بخاطر اثبات نامسلمان بودن شان ماه عبادت و طهارت روزه را با جنایت هولناک در ولایت خوست آغاز و با تداوم کشتار مردم مظلوم در سایر محلات، امروز باردیگر با جنایت هولناک تروریستی، کربلای خونبار را در شهر کابل تکرار و قلب حزین افغانستان به عزا نشسته را خونین و داغدار ساختند .

در مطابقت با تمام معیار های حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت، تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بمثابه جنایت دهشتبار «جنگی»، «ضد بشری» و «علیه بشریت» بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژینو: «جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید».

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت دهها هموطن عزیز که مرگ «انسانیت» به نمایش گذاشته میشود و مردم مظلوم ما از طبیعی ترین حق شان (حق حیات) محروم میگرددند، چه میتوان کرد؟

تقییح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه با استدعای اصلاح قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد؟

هشدار و زینهار !!

ای ملت از برای خدا هوشیار شوید !!

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز

گوسپندان دیگر خیره در او مینگردند

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطانی محورهای شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو و جهانخوار دور جدید بازهای بزرگ و مسابقه جیوپولیتیک و نیابتی منطقه بی و جهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابة ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند، تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

مواد مخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرارگیرد. مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی "اسلامی" و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده بی مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابه دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتل قوم و مذهب ندارد و دشمن تمام مذاهب و اقوام باهم برادر و برابر افغانستان میباشد.

تکرار مصیبت ملی نباید با تکرار عزای ملی جواب گفته شود. بخاطر دفاع از حق حیات و زندگی مردم، باید رمضان خونین و این چهارشنبه سیاه را به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادر وطن وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده، واضح میباشد. اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، و جاهت و اعتبار ملی سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک «حکومت وحدت ملی» مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی وقوع این فاجعه را نموده، مشخص گردد.

یک دولت کارا، دستگاه دیپلماسی مسول و فعال میتواند رسالت دفاع و دادخواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و بشورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و برکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روزتاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکل نبوده

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

ونخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن وشفاف دولت آمریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطوقی وحمایت وتقویه تروریزم بین المللی، موثر تر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور ومتکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم ودولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement sancation مورد تعزیرات قرار گرفته وبحیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت، طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک وبخصوص با ایالات متحده امریکا، چرا تطبیق نمیگردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته ومرعی الاجرا نگردد، (کان لم یکن) پنداشته میشود. Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد.

این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد وتوسط متحد «پیمانکار» آن سلاخی میگردد. وقت آن رسیده است تا دولت های غربی با معیار وبرخورد دوگانه با تعریف ترور و روریسم وتبعیض خون افغان ، عراقی و ... با شهروندان مانچستر، پاریس و ... وداع نمایند .

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان وتراژیدی خونبار مردم به عزا نشست ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی وبلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد مراجع افغانی وبین المللی ارائه مینماید واز هموطنان عزیز ونهادهای افغانی متمنی است تا با قلم وقدم بخاطر دفاع از حقوق مردم و افغانستان که قربانی تروریسم است ، اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تقیب جنایت دهشت افگنانه تروریستی درشهرهای افغانستان

۱۴ جنوری ۲۰۱۷

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

افغانستان قربانی تروریسم بین المللی و تراژیدی خونبار آن معلول و محصول مداخله خارجی میباشد و بمثابه "قربانی تروریسم بین المللی"، کماکان آماج حملات دهشتبار تروریستان شریر بین المللی قرار دارد.

مراکز تمام باندهای دهشت افگن و شرارت پیشه اعم از طالبان و حقانی، القاعده، داعش و... در بیرون از افغانستان قرار دارند و این واقعیت که پاکستان نه تنها مرکز تروریسم بوده و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد، پیگر از کفر ابلیس معروفتر و سکانداران سازمان ملل متحد، کاخ سفید، اتحادیه اروپا و... بدان معترف میباشدند.

متأسفانه دور جدید "بازهای بزرگ" و کشمکش های هولناک جیوپولوتیک رقبای بین المللی (امریکا، روسیه وچی) و جنگ های نیابتی قدرتهای رقیب منطقوی (پاکستان، هند، ایران و سعودی) و شرکای شان بازهم از مردم ما قربانی میگردد و افغانستان بخاک و خون کشانیده میشود. بدینترتیب ابتدایی ترین و اساسی ترین حق مردم که همانا «حق حیات» مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از آن است؛ در معرض نابودی قرار دارد. حوادث تروریستی در روزهای اخیر در بغلان (کارگران ذغال سنگ)، شهر کابل (کارمندان ملکی پارلمان)، قندهار و ننگرهار صدها شهروند ملکی را از حق حیات محروم و ماتم و مصیبت آفریده است.

مطابق به قواعد حقوق بین المللی (از کنوانسیون های لاهه ۱۸۸۹ م و ۱۹۰۷ م، کنوانسیون های چهار گانه ژینو ۱۹۴۹ م، اساسنامه دیوان بین المللی عدالت ۱۹۹۸ م... تمام این جنایات خونین و هولناک در ردیف: جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم ضدبشری تسجیل گردیده است. بشمول پاکستان تمام کشورهای که در ایجاد حمام خون در افغانستان سهیم میباشند، اعضای سازمان ملل متحد بوده و متعهد به رعایت منشور ملل متحد کنوانسیون ها و مصوبات آن سازمان میباشند. باید این سوال را مطرح نمود که چرا سازمان ملل متحد و اعضای دایمی شورای امنیت آن سازمان که مسوولیت اخلاق شان درقبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهرمن الشمس است، احساس مسوولیت ندارند؟ جامعه بین المللی درقبال افغانستان مسوولیت دارد و امریکا قرارداد به اصطلاح ستراتیژیک را، زیر پا مینماید. در چنین احوال و اوضاع مردم حق دارند، آنان را شریک قاتلان خود قلمداد نمایند. به تجربه ثابت گردیده است که حق داده نمیشود و سقوط ارزشها در مقیاس جهانی «دنیایی هابزی» را مستولی ساخته است؛ باید مردم و نهاد ها و سازمان های مدافع حقوق آنان متحدانه صدای اعتراض شانرا در دفاع از حق حیات و زندگی، حفظ و سلامت کشور و حق گذار آن به شاهراه صلح و ترقی بلند نمایند.

بازهم جنایت جنگی و ضد بشری

۷ فبروری ۲۰۱۷

در حالیکه مردم به عزا نشسته افغانستان در برفباری های اخیر متحمل تلفات زیاد گردیده و سوگوار میباشند، شرارت پیشه گان تروریست وقاتل بازهم جنایت هولناک آفریدند ودر بعد از ظهر امروز برای چندمین بار کارمندان ستره محکمه را آماج حملات ضد انسانی ددمنشانه قرارداده و باعث شهادت (بیشتر از بیست تن) و مجروحیت تا پنجاه هموطن عزیز ما گردیدند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه روح شهدا را شاد میخواهد، نفرت وانزجار شدید خود را به عاملان وحشی و دشمنان انسان و انسانیت ابراز میدارد.

بی نیاز از اثبات است که وقوع این جنایت خونین بطبق تمام معیارهای قبول شده بین المللی، از کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷ م) و اساسنامه های نورنبرگ و دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن وکنوانسیون های چهارگانه ژینو (۱۹۴۵ م) در ردیف جنایت جنگی ضد بشری و نایت علیه بشریت تعریف گردیده و باید عاملان جنایتکار وسازماندهندگان داخلی، منطقه بی و بین المللی مشخص وبه محاکمه کشانیده شوند.

در حالیکه براساس گزارش جدید سازمان ملل متحد، حجم جنایات وکشتار اهالی ملکی روزتاروز زیاد گردیده اس: جامعه جهانی و بخصوص اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد در حالیکه مسولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهر من الشمس است با سیاست های کجدار ومریز در نقش شرکای قاتلان مردم ما عمل مینمایند. در چنین احوال غم انگیز انجمن حقوقدانان افغان دراروپا از

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تمام مدافعان حقوق مردم، جامعه مدنی و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌خواهد که بدفاع از حق حیات شهروندان افغان و برضد تروریستان سفاک طالب و داعش و شرکای جرمی شان صدایی اعتراض شان را رساتر نمایند.

با احترام

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان

۴ اسد ۱۳۹۶ مطابق ۲۶ جولای ۲۰۱۷

حوادث خونین در چند روز اخیر که همزمان با گسترش جنگ اعلام نشده پاکستان در مناطق مختلف افغانستان، به تعقیب رمضان خونین ادامه دارد، نمایانگر آغاز فصل جدید خون و آتش و تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان میباشد.

شرارت پیشه گان تروریست با راه اندازی حوادث هولناک خونین در بدخشان، فاریاب، غور، قندهار، هلمند و کابل و ... بر اوراق سیاه جنایات ضد انسانی و ضد اسلامی شان افزودند، کشتار ددمنشانه مریضان داخل بستر و داکتران در شفاخانه ملکی ولسوالی تیوره و انجینیران جوان وزارت معادن و پترولیم توسط طالبان که « بشکل هدفمند » و از « قبل پلان شده » صورت گرفته و همچنان بمبارد قوای نظامی هوایی امریکا که منجر به شهادت سربازان افغان گردیده است، مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، در تحت عنوان « جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت » مسجل گردیده است.

در همچو موارد که وقوع « جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری به یک واقعیت غیرقابل انکار مبدل گردیده است، موارد الزام بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی تروریستان، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تداوم روزمره جنایات هولناک ضد بشری که در یک بازی بسیار پیچیده استخبارات بیرونی انجام می‌آید، حوادث خونبار را به پروسه های خونین مبدل ونوعی اعتیاد بخون و قربانی را بر مردم به عزا نشسته ما، تحمیل مینماید.

پاشنه آشیل افغانستان وعامل جنگ وخونریزی در بعد داخلی آن فقدان یک دولت ملی ومقتدر ودر بعد بیرونی تداوم وتشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان ودسایس ایران وجنگهای نیابتی رقبا میباشند که مجموع آن با اهداف جیوپولوتیک و سیاست های کجدار ومریز امریکا وانگلیس آبیاری میگردد. دولتمداران کنونی نیز با خموشی ودهان پر آب شان، با معامله وفریب از ارائه پاسخ در برابر ملت خود را کنار میزنند. عدم قاطعیت وعدم یک سیاست روشن در برابر دشمنان سفاک وفاقد وجدان انسانی دال بر آن است که دولت مداران کنونی افغانستان خود را از زیربار سیاست ها واهداف فوق الذکر امریکا وانگلیس بیرون نساخته ونمی سازند. در واقعیت اینان خود بحیث یکی از عوامل بازی پیچیده در کشور ما مبدل گردیده اند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا که با نگرانی وتأثر عمیق حوادث افغانستان را تعقیب مینماید، از تمام نهادهای مدافع مردم ووطن صمیمانه متقاضی است تا در دفاع از حق حیات افغانان وحق گذار افغانستان به صلح، ثبات وشاهراه ترقی صدایی شانرا رساتر ومتقربتر سازند وبخاطر دستیابی به این مأمول شریفانه موارد آتی را در سر خط کار شان قرار دهند:

- ابراز دوامدار نفرت در برابر ذهنیت مخوف تکفیری وتروریستان وشراوت پیشه گان وحامیان داخلی، منطوقوی و بین المللی شان (تروریست قوم ومذهب ندارد وتروریسم دشمن مشترک تمام اقوام ومذاهب میباشد.)

- دفاع از صلح بمثابه مقدمترین نیاز مردم ووطن: این مأمول باید اولویت مبرم دولت وجامعه بین المللی باشد ودرغیر آن طرح وعده ووعد ها وصحبت از استراتژی جدید در امریکا، عوام فریبانه ویک سراب خواهد بود.

با حرمت

هیات اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تقیب حادثه تروریستی در برابر ژورنالستان تلویزیون طلوع

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه روح شهدای حادثه تروریستی امروز در شهر کابل را شاد میخوهد؛ عمیق ترین مراتب تائر و تسلیت را بخانواده های شهدا، جامعه مدنی، ژورنالستان و منسوبان تلویزیون طلوع و مدافعان آزادی بیان و دموکراسی تقدیم داشته و برای مجروحان شفای عاجل و کامل استدعا میدارد.

انجمن با شدت و به شدیدترین الفاظ این حمله هدفمند پلان شده و عمدی را بر موتر کارمندان ملکی موبی گروپ تقبیح و نفرین بی پایان را به عاملان وحشی شرارت پیشه طالب که مسوولیت این جنایت نا بخشودنی را عهده دار گردیده اند ابراز میدارد.

این دهشت و وحشت و تروریسم پلان شده و وارد شده از پاکستان که به تعقیب سروصدایی عقب گرایان اخلاف ملای لنگ در روز های اخیر انجام یافته است و دموکراسی نوپا و جلوگیری از رفتن افغانستان افغانستان بشاهراه ترقی پنداشته میشود تا جامعه را به تاریکی دلخواه شب پرستان و جهالت و ظلمت سوق داده و صدایی مردم بپا خاسته را خفه نمایند.

این جنایت هولناک مطابق احکام و قواعد حقوق بین المللی و میثاقهای جهانی از لاهه و تا کنوانسیون های چهار گانه ژینو و اساسنامه دیوان بین المللی جزای و در ردیف جنایت جنگی جنایت علیه بشریت و جنایات ضد بشری طراز بندی میگردد

بدینرو باید وزارت خارجه افغانستان طی یک اقدام عاجل موضوع را بشورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع و خواهان بررسی آن گردد.

همچنان با تاکید از سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا خواسته شود تا عاملین این جنایت را در فهرست سیاه شان شامل سازند.

از آنجاییکه طالبان مسوولیت این جنایت را عهده دار گردیده و سخنگوی شان موضوع را از پاکستان به مطبوعات خبر داده است، دیگر جای شک وجود ندارد که حادثه تروریستی امروز در راستای تداوم

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنگ اعلام نا شده پاکستان و بخاطر ایجاد ترس و وحشت و استفاده ابزاری از ترور برای مقاصد سیاسی توسط سازمان آی اس آی صورت گرفته است

بدینرو دولت افغانستان موضوعرا غرض بررسی عاجل به کمیسیون چهارگانه ارجاع و تا اتخاذ تصمیم در زمینه مذاکرات به اصطلاح صلح را تعلیق نماید.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه به این حادثه غم انگیز و حوادث مشابه از تمام افغانان در داخل و خارج صمیمانه میخواهد تا بدون بهانه تراشی ها باجنگ زدن به وحدت و وفاق ملی صدایی اعتراض شانرا رساتر و مشترک سازند و بگوش جهانیان برسانند

افغانان آزاده و غیور که چهار دهه جنگ اعلام نا شده را متحمل گردیده اند کماکان همانند کوه های افغانستان پا برجا بوده و از حق کشورشان بخاطر گذار بشاهراه ترقی حراست مینمایند.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بازهم قتل عام و تکرار جنایت جنگی و ضد بشری

دشمنان آسایش بشریت که تحت عناوین مختلف، بمثابة ابزارکثیف و دهشتبار، در خدمت مراکز شرارت بین المللی قرار دارند، بازهم شهر کابل را به کرپلا میدل نمودند. تروریستان شریر و بیزیدی داعشی با حمله انتحاری در مرکز مذهبی «باقرالعلوم» فاجعه بشری را بوجود آورده و هموطنان عزیز ملکی ما را بخاک و خون کشانیدند.

درحالیکه روح شهدا را شاد میخواهیم، عمیقترین مراتب نفرت و انزجار را به عاملان ددمنش این جنایت هولناک ابراز میداریم.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

وقوع این جنایت ننگین به تعقیب حوادث خونین مشابه دیگر در مرکز و ولایات کشور؛ گشودن صفحه جدید و سیاه دیگر را در تراژیدی خونبار افغانستان به نمایش میگذارد و از پلان دشمنان تاریخی ما در جهت کشانیدن مردم در باطلاق جنگ های مذهبی و قومی پرده بر میدارد. متأسفانه افغانستان عزیز ما که طولانی ترین جنگ را متحمل گردیده است، در دور جدید «بلازهای بزرگ» و کشمکشهای جیوپولوتیک بین المللی و منطقوی، همچنان معروض به جنگ های نیابتی بازیگران متخاصم منطقه یی ایران و سعودی، قربانی میدهد و مردم به قیمت خون فرزندان شان کفاره آنرا میپردازن. این قتل عام اهالی ملکی بر طبق موازین معیار های قبول شده حقوق بین المللی؛ بحساب «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت»؛ باید مورد بررسی و مجرمان به محاکمه کشانیده شوند.

مقابله با این «سونامی» هولناک و حوادث خونین و غم انگیز فقط و فقط با بیداری و هوشیاری ما، اتحاد و اتفاق و چنگ زدن به وحدت ملی و برابری و برادری پیروان مذاه، میسر خواهد بود. باید در افشای عاملان وحشی داعشی و طالبی و حامیان و محرکان منطقه یی و جهانی آن صدای اعتراض ما را رساتر و مشترک بسازیم و از «حق حیات» مردم به عزا نشسته افغان دفاع نماییم.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنایات طالبان در کشتار مسافران راه های مواصلاتی

دهشت افگنان طالبی در این اواخر در ادامه جنایات جنگی و ضد بشری شان، به شیوه های جدید انتقامگیری از مردمان ملکی و بی دفاع در مسیر جاده های مواصلاتی متوصل گردیده اند.

گروه های قصی القلب، جانی و فاقد وجدان انسانی طالبی که دیگر هیچگونه شک و تردیدی در وابسته گی مزدورانه شان با دستگاه شیاد و جهنی استخبارات نظامی پاکستان و ارتجاع منطقه وجود ندارد، در این اواخر با راه گیری و قطاع الطریقی مسافران بی دفاع را با اسارت گرفته و تعداد شان را بدون کدام دلایل موجه بیرحمانه به قتل می‌رسانند و تعداد دیگر را در اسارت نگهدارند. این جنایت ضد انسانی در هفته

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

های اخیر به دفعات در جاده های مسیر بغلان، کندوز، تخار و بدخشان وهمچنان کابل غزنی تکرار ارتکاب یافته اند.

طالبان میخواهند به این اعمال ضد انسانی شان که هیچ دلیلی از اصول ومبانی دینی وشریعت اسلامی با آنها مطابقت ندارد، با این کشتار بیرحمانه اکنون عمداً وآگاهانه بر تشدید وعمیق ساختن مخاصمت های قومی ومنطقوی نی متوصل میگرددند که جز پیشبرد و تطبیق اهداف وبرنامه های بیگانگان در ازهم پاشی ملت بزرگ افغانستان، توجه دیگری ندارد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا این جنایات جنگی وضد انسان وانسانیت و ضد ملت ومردم کشور را با شدید کلمات محکوم نموده ومراتب نفرت وانزجار خود را در برابر این جنایات نا بخشودنی ابراز مینماید. ما به قربانیان وشهدای این جنایات استدعای بهشت برین نموده خود را با غم واندوه خانواده های قربانیان این حوادث شریک میدانیم.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا معتقد براین اصل است که هیچ عمل وجنایتی در برابر مردمان ملک، اسران جنگی و برضد ملت ووفاق ملی توجیه ندارد. عاملین مستقیم وپشت پرده آن، چه در وجود مزدوران طالبی وچه دروجود نکتائی پوشان در زیرچترارگ وارگ نشینان وتعداد از سیاستبازان دیگر که با روپوش دموکراسی، با قلابی گیری به تحریک تضاد های قومی وزبانی مبادرت واعمال ضد ملت ومردم طالبان عقب گراه را توجیه مینمایند، باید در برابر ملت پاسخگو باشند. اینان با یک اتحاد نامقدس پس پرده در ازهم پاشیده گی مردمان کثیرالزبان وکثیر القومی ومذهبی افغانستان، با پروژی وگستاخانه آب به آسیاب دشمن اصلی ما یعنی استخبارات پاکستان وحامیان پشت پرده شان میریزند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا خواهان ردیابی وبه کیفر رسانی عاملین این جنایات توسط اوگانهای عدلی وقضائی کشور بوده آرزومند است تا دولت افغانستان در سرکوب ودفع هر گونه اعمال مبنی بر تشدید وعمیق ساختن تضادهای قومی و زبانی قاطعانه عمل نموده واز آبیاری نمودن ریشه های این اعمال از کانالهای درون نظام جلوگیری نماید.

ما از تمامی نهاد های سیاسی واجتماعی داخل کشور وبیرونمرزی تقاضا مینمائیم تا ضمن تقبیح این اعمال جنایت کارانه طالبان وسیاستبازان وابسته با طالبان در داخل نظام، با عمل مشترک هدفمندانه بر دولت

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

ناکارای به اصطلاح "وحدت ملی" فشار وارد نمایند تا در برابر طالبان، دستگاه جهانی پاکستان و عوامل تشدید تضادها و خصومت‌های قومی سیاست دقیق واضح را رویدست گیرد.

با احترام

هیأت اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنایتکاران داعشی این شربرترین و خبیث‌ترین دشمنان انسان و اسلام؛ یکبار دیگر با نمایش چهره کثیف و ضدانسانی‌شان و انجام جنایت هولناک، بیشتر از سی تن هموطنان عزیز و مظلوم و بی دفاع ما را در ولایت غور به شهادت رسانیده و مردم مستضعف را عزا دار ساختند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه با شدیدترین الفاظ این جنایت مدّش قاتلان داعشی را تقیح مینماید، نفرت و انزجار عمیق خود را بر عاملان سفاک و دون همت تروریست، سازماندهندگان و حامیان آنان ابراز داشته و روح شهدا را شاد میخواهد.

اظهرمن الشمس است که وقوع این جنایت برطبق تمام معیارهای قبول شده حقوقی واز میثاق بین المللی لاهه و تا کنوانسیون‌های چهار گانه ژینو (می ۱۹۴۹ م.) در ردیف جنایت جنگی، ضد بشری و جنایت علیه بشریت تعریف میگردد و برطبق صراحت ماده ۷ اساسنامه دیوان جزای بین المللی، بمثابة «حمله گسترده» و «سازمان یافته» و قتل «جمعیت غیرنظامی»، عاملان آن بحیث جنایتکاران جنگی و عاملان جنایت علیه بشریت به محاکمه کشانیده شده و به سزای اعمال طاغوتی و ضد انسانی‌شان رسانیده شوند.

واضح است که دولت ضعیف و فقدان حاکمیت قانون و ضعف ارگانه‌های حراست حقوق عدلی و قضایی و افزون بر آنها سیاست‌های کجدار و مریز حامیان بین المللی دولت و بخصوص ایالات متحده امریکا و انگلیس و برخورد دو پهلو «مدافعان حقوق بشر» باعث گردیده تا تروریستان شریر و سفاک، گستاخانه تر عمل نمایند مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان که طولانی‌ترین جنگ را متحمل میگردند، کفاره آنرا به قیمت خون فرزندان‌شان پردازند.

بازهم جنایت جنگی و فاجعه انسانی

یکشنبه ۷ نوامبر ۲۰۱۶

در دو حادثه خونین سوم نوامبر در کندر و فاریاب، باردیگر هموطنان عزیز ما بخاک و خون کشانیده شده و بیشتر از چهل تن از اهالی ملکی بشمول اطفال نازنین به شهادت رسیدند. در فاریاب ۱۲ تن هموطنان ما در یک مراسم عروسی در اثر فیر یک راکت توسط طلبان ودر کندز می تن از هموطنان ما در اثر پرتاب بم شهید گردیدند.

وقوع این جنایات هولناک و به تعقیب حوادث خونبار یکسال گذشته دکنزد و اوجگیری بی سابقه فعالیت شرارت پیشه گان تروریست طالب و شرکای جرمی شان، صفحه خونین دیگر را بر آلام و مصایب جانکاه مردم به عزا نشسته ایزاد نمود. بر طبق اخبار و گزارشات آژانس ها و مطبوعات افغانی و بین المللی، این کشتار افراد ملکی مطابق اسناد و معیارهای قبول شده حقوق بین المللی باید در ردیف « جنایت جنگی» مورد بررسی و محاکمه قرار گیرد. جنایت جنگی در کنوانسیون « لاهه » (۱۹۰۷) و در ورای اساسنامه نورنبرگ و منشور دادگاه نظامی بین المللی « لندن » (۱۹۴۵) و همچنان میثاقهای چهارگانه ژینو می (۱۹۴۹) (و مواد اساسنامه دیوان جزایی بین المللی؛ « تعریف و مسجل گردیده است. در مطابقت با این اسناد؛ جنایت جنگی بر اعمالی مصداق دارد که در اثر نقض «قانون» جنگ و «آداب جنگی» منجر به ویرانی شهر، قریه و قصبه گردد و در هر حالت «هدف قرار دادن افراد ملکی در دوران جنگ» یک جنایت جنگی پنداشته

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

میشود و برای دفاع از حقوق بشر و صیانت حقوق انسانی، عاملان این فاجعه خونبار بشری باید بمثابه مجرمان جنگی مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.

توضیحات متناقض وزارت دفاع افغانستان و قوماندان قوای نظامی امریکا در افغانستان (جنرال جان نیکلسون) در مورد حادثه کندز و دسایس طالبان که اهالی ملکی را سپر میسازند، نمیتواند وقوع جنایت جنگی را تبرئه نماید. بسیار ضرور است تا در دفاع از حقوق مردم مظلوم و مستضعف و مستمند، صدایی اعتراض خود را بلند نماییم و خواهان محاکمه و مجازات عاملان افغان، امریکایی، عرب و عجم گردیم. در همچو موارد خونبار که مردم بخاک و خون کشانیده میشود، تنها محکوم ساختن و اظهار تاسف دردی را دوا نمیکند. خون افغان باید معادل خون یک امریکایی باید حرمت گردد و به شیوه معمول پرداخت یک مشت پول و آنهم با نوعی تحقیر باید وداع گفته شود. باید جبران خساره واقعی و مواظبت و پرداخت مستمر برای فامیل ها مطرح و عملی گردد.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

شهادت هموطنان عزیز ما در ولایت زابل

عاملین جینوساید دشمنان بشریت

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به شدیدترین الفاظ شهادت هفت هموطن عزیز ما را در ولایت زابل از جانب جنایتکاران داعشی بشدت محکوم مینماید.

این جنایت نفرت انگیز بر طبق میثاق بین المللی دسامبر ۱۹۴۸ در ردیف "جینوساید" قرار میگیرد و عاملان تبهکار که دشمنان انسان و انسانیت می باشند، بعد از ارتکاب جرم به اسارت گرفتن این وطنداران ما

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بحساب تعلق به قوم خاص (قوم شریف هزاره) و تحمیل شکنجه و عذاب شدید روانی به قتل و کشتار آنان مبادرت ورزیده و هفت هموطن عزیزما را به شهادت رسانیده اند.

واضح است که دولت ضعیف و فقدان حاکمیت قانون میدان تاخت و تاز جنایتکاران بین الملل را مساعد ساخته و دشمنان تاریخی افغانستان تلاش دارند تا کشور را در آفت جنگ های قومی و مذهبی کشانیده و نمک های اضافی بر زخم خونین افغانستان بپاشند.

اهداف منشور ملل متحد :

- ۱- حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه های مسالمت آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین الملل:
- ۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛
- ۳- حصول همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب؛ و
- ۴- بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می دارند.

ماده ۲- سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده اول بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

- ۱- سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد
- ۲- کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته اند با حسن نیت انجام خواهند داد.
- ۳- کلیه اعضاء اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد.
- ۴- کلیه اعضاء در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد ماینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.
- ۵- کلیه اعضاء در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می آورد خودداری خواهند نمود.